

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال سوم، شماره اول، بهار ۱۳۸۶

صص ۷۴-۵۰

کاربرد شاخص امنیت اقتصادی در تبیین تحولات ژئواکونومیکی در فرایند جهانی شدن

دکتر مسعود هاشمیان اصفهانی* - دکترای مدیریت استراتژیک، مدیرکل برنامه‌ریزی استراتژیک وزارت نفت

دکتر ابراهیم گرچی - عضو هیأت علمی دانشکده اقتصاد، دانشگاه تهران

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۶/۱۲/۱۱

تاریخ دریافت: ۱۳۸۶/۵/۱۵

چکیده

آزادسازی فعالیتهای اقتصادی در کلیه زمینه‌های بازرگانی، سرمایه‌گذاری و انتقال اعتبارات در فراسوی مرزهای جغرافیایی ملی و تغییر در پارادایم فناوری، بستر اصلی جهانی شدن به حساب می‌آید. فناوریهای عمده روند جهان‌گرایی در زمینه‌های انرژی، حمل و نقل و ارتباطات راه دور که منجر به سه موج بلند پی در پی در رشد اقتصادی جهانی شده‌اند، بیشترین نقش را در تحولات ژئواکونومیکی عصر حاضر ایفا کرده‌اند. این تغییر کیفی و پر اهمیت است که عصر جهانی شدن را از عصر تجارت بین‌المللی متفاوت می‌سازد. با توجه به ژئواکونومیکی محور شدن جهان در این فرایند، شاخص جدیدی در بین شناسه‌هایی ژئوپلیتیکی اهمیت و ارزش بیشتری را به دست آورد. این شاخص امنیت اقتصادی نام دارد. زمانی که بتوان آن را به نوعی کمی و محاسبه کرد، مشاهده می‌شود که تا چه حد توانایی پژوهشگران در تحلیل تفاوت‌های ژئواکونومیکی، تبیین دلایل و عوامل اختلاف شکاف بین کشورهای غنی و فقیر و علل ظهور برتریهای ژئواکونومیکی در سطح جهان، افزایش پیدا می‌کند. در این مقاله ضمن پرداختن به ادبیات تجربی و نظری موضوع، بر مبنای یک مدل مفهومی شاخص امنیت اقتصادی تبیین می‌شود. پس از احصای عوامل اصلی تشکیل‌دهنده آن، این شاخص برای ۱۱۷ کشور جهان و برای تمامی سالهای دوره ۱۹۸۰-۲۰۰۲، براساس اطلاعات شاخصهای بین‌المللی از بانک اطلاعاتی WDI، محاسبه شده است. برآورد شاخص امنیت اقتصادی به روشی جدید از نتایج این مقاله است که به وسیله آن محقق نه تنها توانسته است به وسیله آن تحولات ژئواکونومیکی جهان را به اجمال تحلیل قرار کند بلکه موفق شده است وضعیت این شاخص در ایران را در یک سیر تاریخی، با خود و در مقایسه با سایر کشورهای بررسی شده، مقایسه کند. در خاتمه، توصیه‌های سیاستی نیز در ارتباط با چگونگی ارتقای بیشتر شاخص امنیت اقتصادی کشور به منظور بهره‌برداری از تمام فرصتهای ژئواکونومیکی ایران، ارائه شده است.

واژه‌های کلیدی: تحولات ژئواکونومیکی، جهانی شدن، شاخص امنیت اقتصادی.

۱- مقدمه

بی‌شک روند جهانی‌شدن موجب کاهش اهمیت مرزهای جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی و محدودتر شدن حیطه اختیارات و قدرت دولتهای ملی شده است. در یک الگوی نظری این روند می‌تواند به پایان جغرافیا، فروپاشی دولت-ملتها و ظهور جهانی فارغ از تقسیمات جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی منجر شود که سرنوشت آن توسط نیروهای جهانی رقم زده می‌شود. اما پذیرش این مطلب نه به این معنی است که شکل‌گیری و رشد جهان، جهانی فاقد هویت و چهره جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی می‌باشد و نه به این معنی که دولتهای ملی در تعیین سیر تکاملی و سرنوشت نهایی کل جهان فاقد نقشی مؤثر می‌باشند. درک این مطلب برای مدیریت مطلوب جهانی‌شدن، بویژه برای کشورهای در حال رشد دارای اهمیت کلیدی است.

آزادسازی فعالیتهای اقتصادی در کلیه زمینه‌های بازرگانی، سرمایه‌گذاری و انتقال اعتبارات در فراسوی مرزهای جغرافیایی ملی بستر اصلی جهانی‌شدن به حساب می‌آید. تغییر در پارادایم فناوری در تعمیق این بستر مهمترین نقش را داشته است. فناوریهای عمده روند جهان‌گرایی در زمینه‌های انرژی، حمل و نقل و ارتباطات راه دور که منجر به سه موج بلند پی در پی در رشد اقتصادی جهانی شده‌اند، بیشترین نقش را در تحولات ژئواکونومیک عصر حاضر ایفا کرده‌اند. این تغییر کیفی و پر اهمیت است که عصر جهانی‌شدن را از عصر تجارت بین‌المللی متفاوت می‌سازد. اعتقاد بر این است که بین فرایند بین‌المللی شدن و فرایند جهانی‌شدن تفاوتی ژرف وجود دارد. فرایند بین‌المللی شدن عبارت از بسط جغرافیایی فعالیتهای اقتصادی است، در حالی که فرایند جهانی‌شدن مرحله‌ای بالاتر از آن است که مؤلفه اصلی آن ادغام وظایف مختلف فعالیتهای اقتصادی در فضای جغرافیای جهانی است.

با توجه به ژئواکونومیک محور شدن جهان در این فرایند، شاخص دیگری در بین شناسه‌هایی ژئوپلیتیکی اهمیت و ارزش بیشتری را به دست آورد. این شاخص امنیت اقتصادی نام دارد. اگرچه ممکن است گفته شود که به نحوی از آنجا که در بین شناسه‌های ژئوپلیتیکی این شاخص لحاظ شده است، اما زمانی که آنرا در تحلیلها به صورت کمی محاسبه می‌کنند، مشاهده می‌شود که تا چه حد توانایی پژوهشگران در تحلیل تفاوت‌های ژئواکونومیکی، تبیین دلایل و عوامل اختلاف شکاف بین کشورهای غنی و فقیر و علل ظهور برتریهای

ژئواکونومیکی در سطح جهان، افزایش پیدا می‌کند.

به رغم اهمیت امنیت اقتصادی در تبیین تحولات ژئواکونومیکی در فرایند جهانی شدن در مقالات بسیاری از محققان، تاکنون شاخص کمی مناسبی برای تحلیلهای مقایسه تطبیقی بین کشورها و درک واقعیات علل اصلی شکاف بین شمال و جنوب، به دست نیامده است، زیرا که اغلب این شاخصها به صورت قضاوتی بوده و مسائل کشورهای مختلف بدون توجه به سایر ویژگیهای خود، به طور عمده از دیدگاه کارشناسان کشورهای صنعتی و غربی مورد قضاوت، ارزیابی و مقایسه قرار گرفته است. مهمترین این نوع شاخصها را می‌توان در اجزای شاخص ICRG^۱ پیدا کرد.

این مقاله در صدد آن است تا به این مسأله اساسی پاسخ دهد که چگونه می‌توان شاخص امنیت اقتصادی را به صورت کمی تبیین کرد؛ به طوری که این شاخص قابلیت کاربرد در تحلیلهای ارزیابی تطبیقی بین کشوری را بخوبی داشته باشد. درحقیقت در این مقاله تلاش می‌شود که با ارائه شاخص مناسب امنیت اقتصادی بتوان، اولاً تغییرات بین کشورها و حتی مناطق مختلف جهان را ملاحظه نمود. ثانیاً بتوان تغییر جایگاه هر کشور در عرصه جهانی شدن اقتصاد را نسبت به جایگاه قبلی خود نشان داد. سپس با استفاده از همین شاخص، وضعیت ایران را بررسی کرده و توصیه‌های سیاستی لازم بر اساس نتایج این تحقیق برای بهبود وضعیت ژئواکونومیکی ایران ارائه شود.

۲- ادبیات تجربی و نظری موضوع

تحولات ژئوپلیتیک در اواخر قرن بیستم و بویژه در قرن بیست و یکم بیش از هر عامل دیگری تابع تحولات اقتصاد جهانی شده است.^۲ از این نظر برای درک معیارهایی که شاخص امنیت اقتصادی را در فرایند جدید جهانی شدن اقتصاد، تعیین می‌نمایند لازم است که ابتدا این فرایند را مورد بررسی تاریخی، از نظر ادبیات موضوع، قرارداد.

جهانی شدن اقتصاد دو ویژگی ممتاز را شامل می‌شود. حیطة^۳ و عمق^۴. از یک طرف در بردارنده

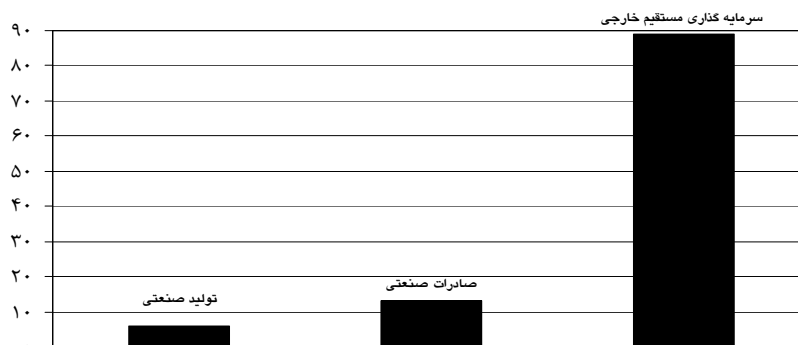
1 - International Country Risk Guide

۲- عزتی، عزت اله؛ ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم

3 - Scope

4 - Deepening

مجموعه‌ای از فرایندهاست که در سراسر جهان نمود پیدا می‌کند و از طرف دیگر مستلزم سطوح بالای تعامل یا وابستگی متقابل میان دولت‌ها و جوامع که تشکیل‌دهنده جامعه جهانی هستند، می‌باشد. در این شرایط، جهانی شدن اقتصاد فرایندی رو به پیشرفت است که در آن تعاملات فرامرزی بسرعت در حال شکل‌گیری و گسترش بوده و وابستگی متقابل اقتصادی میان کنشهای واحدهای در حال جهانی شدن (حکومتها و نهادهای عمومی و خصوصی در یک کشور) در حال تعمیق می‌باشد. مقایسه روند رشد تولید ناخالص، صادرات و سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی جهان بیانگر آن است که طی نیم قرن گذشته رشد صادرات سریعتر از رشد تولید و رشد سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، بمراتب سریعتر از رشد تجارت خارجی بوده است (نمودار شماره ۱). سازوکارهای شرایط نو موجب شده است که اهمیت عنصر ژئوپلیتیک بیش از پیش کاسته شود و واژه جدیدی در حوزه تحلیل جغرافیای سیاسی - اقتصادی در قالب ژئواکونومیک اهمیت بیشتری پیدا کند. به واسطه بعد اقتصادی جهانی شدن، سرزمین‌زدایی معنی و مفهوم خاصی پیدا می‌کند. بدیهی است که سرزمین‌زدایی عامل ایجاد محدودیت برای دامنه و حیطه ابعاد اقتصادی امنیت ملی است.



نمودار شماره ۱: مقایسه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با تولید و صادرات جهان (۱۹۶۰-۲۰۰۰)

(مأخذ: UNCTAD, World Investment Report, various issues 2003)

رشد معاملات فرامرزی، سرمایه‌گذاریهای مبتنی بر همکاری، ایجاد بازارهای جهانی در امور مالی و سرمایه، گسترش تکنولوژی ارتباطات و تجارت الکترونیکی از جمله عوامل و عناصر سرزمین‌زدایی در حوزه فعالیت اقتصادی محسوب می‌شود.^۱

روند جهانی شدن به تعبیر ادغام عمقی اقتصاد جهانی، مستلزم حرکت آزاد عوامل تولید در پهنه جهان و ظهور و رشد شرکتهای فرامرزی (TNC)^۲ است. در سال ۲۰۰۴ نزدیک به ۱۰٪ مبادلات ارزی مربوط به مبادلات تجاری بوده است.^۳ بازار جهانی پول و سرمایه مالی چنان گسترش یافته و بغرنج شده است که اکنون زیستی مستقل از مدار تولید و تجارت یافته است. در زمینه تحرک نیروی کار تحولات مشابه‌ای رخ داده است. این تحولات از سوی دیگر موجب افزایش اهمیت اقتصادی بعضی از مناطق نسبت به بعضی دیگر از آنها شده است. میزان این اهمیت به حدی است که موقعیت ژئوپلیتیکی مناطق دنیا را دستخوش تغییر کرده است. روند جهانی شدن که با رشد سیاست آزادسازی اقتصاد، کاهش نظارت دولت و رفع موانع حقوقی و سیاسی حرکت آزاد کالا و عوامل تولید همراه بوده است، با فروپاشی بلوک شرق، شدتی بی‌سابقه یافته است. این امر موجب تشابه بیشتر ساختار حقوقی - سیاسی اقتصادهای ملی که فرایند ادغام و جهانی شدن اقتصاد را تسهیل و ترغیب می‌کند، شده است. در این فرایند جدید، این موقعیت و میزان اهمیت اقتصاد و دامنه فعالیت‌های اقتصادی در جغرافیای یک سرزمین می‌باشد که بر وضعیت ژئوپلیتیکی آن تأثیرگذار شده است. به عبارت بهتر جهانی شدن بر ژئواکونومیک محور شدن تحلیلهای سیاست جغرافیایی افزوده است.

عامل دیگری که بر اهمیت توسعه تحلیلهای ژئوپلیتیکی می‌افزاید، تحولات فناورانه است. تحولات فناوری موجب تفکیک هرچه بیشتر فرایند عمودی تولید به اجزای کوچکتر و تبدیل تولید انبوه به اشکال و الگوهای انعطاف‌پذیرتر شده که تعمیق و گسترش بیشتر تقسیم کار بین‌المللی را میسر ساخته است.

رشد تحولات فناوری بویژه افزایش سرعت و توسعه شبکه حمل و نقل، افزایش گردش اطلاعات و گسترش وسایل ارتباط جمعی موجب همگرایی فرهنگی، تشابه الگوهای مصرف و

1- Featherstone. Op. cit.

2 - Trans National Company (TNC)

3-UNCTAD World Investment Report, 2004

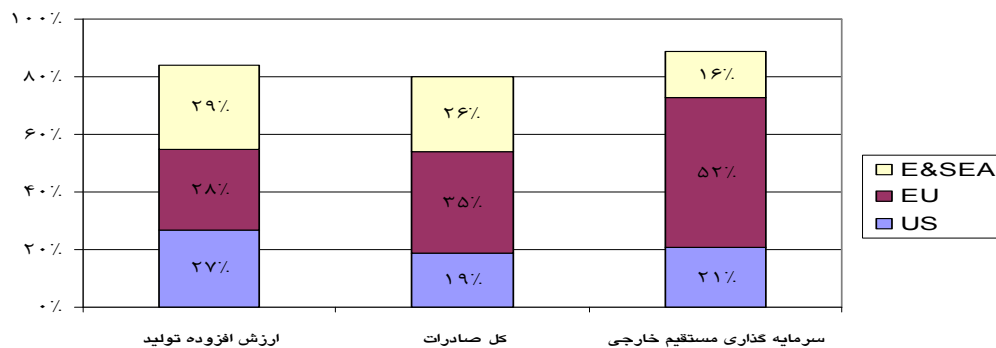
ظهور فرهنگی جهانی شده است که به نوبه خود بر اهمیت تحلیلهای تطبیقی ژئوپلیتیک محور افزوده است.

فرایند جهانی شدن علی‌رغم نگرش‌های متداول، فرایندی بدون مختصات جغرافیایی، فرهنگی و سیاسی نیست. برعکس، این فرایند دارای چهره و ویژگی جغرافیایی مشهودی است که دائم در حال تغییر می‌باشد. این فرایند از بستر فرهنگی و سیاسی مشخصی برخاسته و حامل کدهای ژنتیک خاص این بستر فرهنگی - سیاسی بوده و سیر تکاملی خود را در این بستر طی می‌کند، اما این کدهای ژنتیک از جهش و تغییر برخوردارند. ریشه‌های عمیق و تناور شرکتهای فرامرزی در زمین سیاسی و فرهنگی کشوری است که از آن برخاسته‌اند. مرکز فرماندهی و مراکز حساس این شرکتها، مانند مراکز تحقیق و توسعه تکنولوژی غالباً در کشور مادر قرار داشته و بخشی از قدرت اقتصادی و سیاسی آن می‌باشند. تأکید بر هویت جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی روند جهانی شدن به معنای جزئی کردن این فرایند نیست.

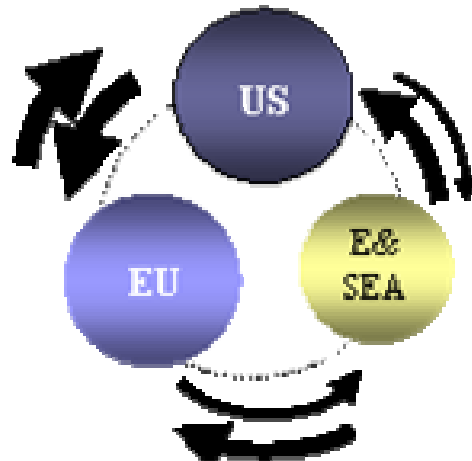
با نگاهی به تعاملات اقتصادی در جهان جهانی شده امروز، می‌توان به خوبی به دلیل و اهمیت توجه به رویکرد ژئواکونومیک محور، در تحلیلهای مقایسه تطبیقی بین کشورهای جهان پی برد. امروزه ۸۴ درصد کل تولیدات صنعتی جهان^۱ توسط ۱۵ کشور تولید می‌شود که از این مقدار نزدیک به ۵۷٪ متعلق به سه کشور آمریکا (۲۵٪)، ژاپن (۲۰٪) و آلمان (۱۲٪) می‌باشد. در عرصه تجارت بین‌المللی وضعیتی مشابه وجود دارد. نزدیک به ۸۰٪ کل صادرات جهان توسط آمریکا، اتحادیه اروپا، آسیای شرقی و جنوب شرقی انجام می‌گیرد (نمودار شماره ۲) و حجم عمده آن به کشورهای درون سه منطقه صادر می‌شود. لازم به ذکر است که در مجموع نزدیک به ۷۰٪ واردات جهان به این سه منطقه اختصاص دارد (شکل ۱). بالاخره تولید و انباشت دانش و اختراعات که محور تحولات فناوری و اقتصاد مدرن جهانی می‌باشد، بیشترین تمرکز جغرافیایی را دارد. کانون این پدیده به طور عمده در چند شهر آمریکا، اروپا و سه - چهار شهر آسیای شرقی قرار دارد. طبق آمار سازمان ملل ۹۷٪ تمام اختراعاتی که در جهان به ثبت رسیده مربوط به کشورهای توسعه‌یافته صنعتی و بخش عمده آن متعلق به آمریکا است. در مجموع، فضای اقتصاد جهان توسط آمریکا، چند کشور اروپای غربی، آسیای شرقی و

۱- گزارش دبیر کل آنکتاد در سال ۲۰۰۴

جنوب شرقی تعیین می‌شود. در این فضای جدید، جهانی‌شدن مناطقی مانند آفریقا یا آسیای مرکزی و حتی روسیه نقش چندانی ندارند. این تحولات به معنای آن است که جهان به سمت مناطق ژئواکونومیک محور در حال حرکت است. در این تغییرات جدید، درجه اهمیت مناطق دیگر نه فقط به واسطه موقعیت ژئوپلیتیک آنها بلکه به واسطه قرارگرفتن در حلقه تعاملات ژئواکونومیک، تعیین می‌شود. گردش و رشد اقتصاد سایر کشورهای جهان شدیداً تحت تأثیر مکانیزم حرکت و نیروی جاذبه این سه منطقه می‌باشد. به این ترتیب جهانی‌شدن دارای یک هویت جغرافیایی، سیاسی و فرهنگی بسیار قوی و پر دوام است که فرایند جهانی‌شدن در بطن آن انجام می‌گیرد و از ویژگیها و پیامدهای آن شدیداً تأثیر می‌پذیرد. دریافت این امر برای شناخت عملکرد و چگونگی فرایند جهانی‌شدن دارای اهمیت کلیدی است. در چنین فضایی تدوین استراتژی و برنامه توسعه اقتصادی مناسب برای کشورهای در حال رشد مستلزم دریافت و شناخت این هویت و تحولات ژئواکونومیک جدید است.



نمودار شماره ۲: سهم مناطق عمده در اقتصاد جهانی شده (منبع: آنکتاد، ۲۰۰۱)



شکل شماره ۱: گردش مبادلات اقتصادی جهان در مناطق اصلی

آنچه مسلم است، جهانی شدن اقتصاد برای کل کشورهای جهان شرایط یکسانی را ایجاد نمی‌کند و تأثیرپذیری هر کدام از این فرایندها متفاوت از دیگری می‌باشد. اما کشورهایی می‌توانند در یک اقتصاد جهانی که موانع و حمایتها تا حد ممکن از میان برداشته شده، امید به حضوری موفق داشته باشند که از شرایط زیر برخوردار باشند:

الف: وجود ساختار تولیدی مناسب، قابل رقابت در عرصه جهانی و قابل گسترش (وجود تابع عرضه کل با کشش)؛

ب: دسترسی راحت و بدون مانع به عوامل تولیدی؛

ج: ثبات در سیاستهای مالی، پولی و ارزی؛

د: وجود زیرساختهای مناسب؛

ه: ثبات اقتصادی؛

و: آمادگی برای حضور تدریجی در اقتصاد جهانی؛

ز: حضور در سازمانها و اتحادیه‌های منطقه‌ای؛

۱- مؤسسه تحقیقات اقتصادی تدبیر، نقش سازمانهای بین‌المللی اقتصادی در فرایند جهانی شدن و تأثیر آن بر امنیت اقتصادی و ملی، تهران ۱۳۸۲.

این شرایط و عوامل موجب فضایی در اقتصاد کشورها می‌شود که به امنیت اقتصادی تعبیر و تفسیر می‌شود. حاکم شدن چنین فضایی بر فعالیتهای اقتصادی یک سرزمین است که موجب جذب منابع، توسعه سرمایه‌گذاریها، رشد تولید صنعتی، افزایش حجم تجارت، رشد مستمر تولید ملی کشورها و تغییرات جدید ژئواکونومیکی می‌شود. بنابراین برای ورود به عرصه جهانی شدن، اثرگذاری و تعامل بیشتر در این عرصه با مناطق اصلی فعالیتهای جهانی اقتصاد، ایجاد امنیت اقتصادی از اولویت بالایی برخوردار است. بنابراین یکی از مهمترین اهداف سیاستهای اقتصادی بخصوص در کشورهای در حال توسعه ایجاد فضای امن، برای تشویق فعالان اقتصادی به فعالیت بیشتر و جهت دستیابی به رشد اقتصادی باثبات و پایدار^۱ است.

امنیت اقتصادی به کل ویژگیها و مشخصات نهادی اقتصاد یک سرزمین، شامل سازمانها، قوانین، آداب و رسوم و ایدئولوژی ارتباط دارد. می‌توان امنیت اقتصادی را به صورت یک چارچوب نهادی که مشوق و موجب اعتماد خاطر فعالان اقتصادی برای تلاش بیشتر و تضمین امنیت فیزیکی افراد و امنیت حقوقی معاملات است، تعریف کرد.

یک محیط امن اقتصادی ارتباط تنگاتنگی با محیط با ثبات اقتصاد کلان دارد. یک محیط

امن اقتصادی ابعاد و ارکان مهمی دارد که به طور مشخص عبارتند از:

- ثبات محیط کلان اقتصادی؛
- ثبات قوانین و مقررات و نظم کارآمد؛
- ثبات سیاسی و حقوقی؛
- و اعتبار دولت نزد فعالان اقتصادی.

امنیت اقتصادی مجموعه‌ای از شرایط، عوامل و ساختارهای اجتماعی است که باعث دلگرمی، آسایش خیال، شوق و ذوق مردم به کار و کوشش و فعالیت و امید به آینده می‌شود و شاخص امنیت اقتصادی می‌تواند شاخص مناسبی برای ارزیابی تطبیقی اهمیت ژئوپلیتیکی

1 - Sustainable growth

3- Determinants of Economic Growth (panel deta approach) by ; Edwin Dewan .Shajehan Hussein , WB Working Paper 01/04 May 2001.

مناطق مختلف و کشورهای جهان نسبت به یکدیگر باشد.

برای مطالعه امنیت اقتصادی تلاشهای زیادی صورت گرفته است. اقتصاددانان در بسیاری از کارهای مطالعه شده IMF که بویژه کشورهای در حال توسعه آفریقایی را برای تحلیلهای خود هدف قرار داده بود، از تخمین مقطعی برای بررسی و آزمون ارتباط بین عملکرد اقتصادی و جنبه‌های مختلف امنیت اقتصادی استفاده کرده‌اند. استرلی و لوین^۱ نشان دادند که تصمیمات نژادی بر رشد اقتصادی مؤثر است. مورو^۲ نشان داد که سرمایه‌گذاری به‌وسیله فساد، سیستم قضایی و تشریفات زائد اداری تحت تأثیر قرار می‌گیرد. وی مجموع این سه عامل را با «شاخص کارایی بوروکراسی» نشان داد. مورو با تأکید بر مسأله فساد نشان داد که این عامل بر سرمایه‌گذاری مؤثر بوده و رشد اقتصادی را بطور مستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد.

آلسینا و دیگران^۳ به این نتیجه رسیدند که ثبات سیاسی هم در طول زمان و هم بین کشورهای مختلف با رشد اقتصادی مرتبط است. گیاما، برامپنگ و تراینر^۴ نشان دادند که ثبات سیاسی، پس‌انداز و رشد اقتصادی را در آفریقا تحت تأثیر قرار می‌دهد. کاماندر، داوودی و لی^۵ اثبات کردند که کیفیت بوروکراسی، رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برون ساید و دالر^۶ ادعا می‌کنند که کیفیت نهادی هم در طول زمان و هم بین کشورهای مختلف، رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. سرون^۷ با کنترل آثار کشوری نشان داد که سرمایه‌گذاری خصوصی به طور معناداری تحت تأثیر آزادیهای شهروندی قرار می‌گیرد. حاجی میکائیل و گورا با کنترل ناطمینانی‌های اقتصاد کلان دریافتند که آزادیهای شهروندی و حقوق سیاسی آثار مهم و قابل توجهی بر سرمایه‌گذاری خصوصی در کشورهای آفریقایی داشته است.^۸

به‌رغم تعدد مطالعات انجام شده، محققان صندوق بین‌المللی پول در این مطالعات تصریح

1 - Easterly and Levine, 1997

2 - Mauro, 1995

3 - Alesina and Others, 1992

4 - Gyiama, Brempong and Tarynor, 1996

5 - Commander Davoodi and Lee, 1997

6 - Burnside and Dollar, 1999

7 - Serven, 1997

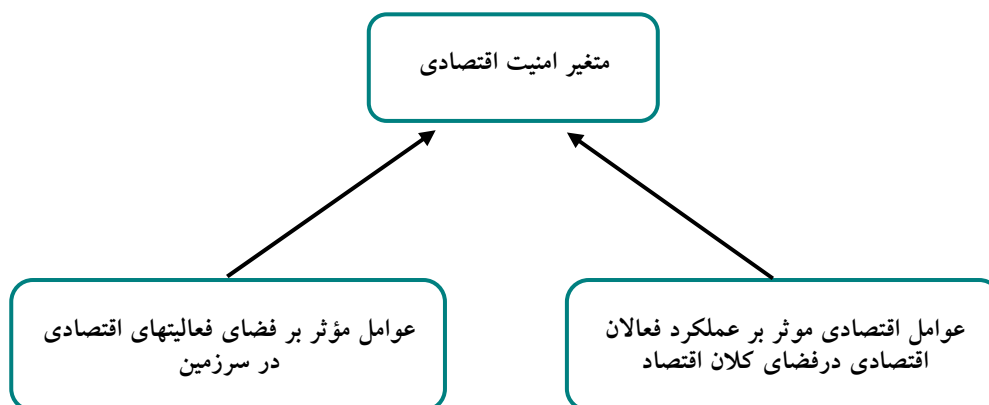
۸ - working paper شماره 98/4 wp تحت عنوان امنیت اقتصادی، سرمایه‌گذاری خصوصی و رشد اقتصادی در کشورهای در

حال توسعه - نوشته: «هلن پویر سون و دیوید تی. کو» ۱۹۹۸ صندوق بین‌المللی پول.

کردند که؛ «... شواهد پانل دیتایی موجود در مورد ارتباط بین امنیت اقتصادی و عملکرد اقتصادی بخصوص در زمینه سرمایه‌گذاری خصوصی بسیار محدود است. مطالعات انجام گرفته تنها بر تعداد محدودی از جنبه‌های امنیت اقتصادی پرداخته یا جنبه‌های مختلفی را در یکجا جمع کرده‌اند (به عنوان شاخص کیفیت نهادی) که ممکن است ارتباط مشابهی با عملکرد اقتصادی نداشته باشند. لذا نتایج به دست آمده در طراحی برای بهبود جنبه‌های خاص امنیت اقتصادی چندان مؤثر نیستند. اما این بحث‌ها در اصلاحات نهادی برای تسریع و پروراندن اعتبار بخش خصوصی در کشورهای در حال توسعه و تقویت رشد اقتصادی مهم هستند».

در این مطالعات شاخص امنیت اقتصادی در یک متغیر که مجموعه روشهایی که از طریق آن نهادها می‌توانند روی فعالیتهای اقتصادی تأثیر بگذارند، خلاصه و جمع شده است. این شاخص ترکیبی، میانگین چندین متغیر بوده و متغیرهای نهادی را که بعضاً با یکدیگر غیرمرتبط هستند، یکپارچه کرده است.

نمایش مفهومی تأثیرپذیری شاخص امنیت اقتصادی از عوامل مختلف ژئواکونومیکی (در این مقاله نیز) بصورت شکل شماره ۲: قابل ارائه می‌باشد.



شکل شماره ۲: نمایش مفهومی تأثیرپذیری شاخص امنیت اقتصادی از عوامل مختلف در فرایند جهانی شدن، الگوی فعالیتهای مختلف بشری در فضای جغرافیایی، به سوی

۱ - «هلن پوپر سون و دیوید تی.کو»، صندوق بین المللی پول؛ ۱۹۹۸.

فراقاره‌ای و بین منطقه‌ای شدن در حرکت است. جهانی شدن در تمام حوزه‌های زندگی مدرن در ابعاد مختلف ظهور و بروز دارد. از این رو جهانی شدن یک فرایند چند بعدی است^۱. اگرچه مفهوم جهانی شدن ابعاد متفاوتی دارد، اما مبنای اصلی تمامی فعالیتهای در این فرایند، اقتصادی است و هر تحلیلی در خصوص جهانی شدن ابتدا باید با تحلیل اقتصادی درحوزه‌های جدید ژئواکونومیکی آغاز شود.

تحلیل درست و دقیق نیاز به ابزارهای مناسب و دقیقی دارد که بر مبنای آن بتوان به ارزیابی مقایسه‌ای تحولات ژئواکونومیکی در بین مناطق مختلف جهان و حتی بین کشوری پرداخت. سؤالاتی که این مقاله در صدد پاسخ به آن است، به شرح زیر می‌باشد:

۱. شاخص امنیت اقتصادی از چه عواملی تشکیل شده است؟
۲. چگونه می‌توان شاخص امنیت اقتصادی را کمی کرد؟
۳. چگونه می‌توان از شاخص امنیت اقتصادی در تحلیلهای ژئواکونومیکی استفاده کرد؟

۳- روش تحقیق

مطابق جمع‌بندی مباحث نظری در مبحث قبلی، چنین متغیری خود یک شاخص ترکیبی است و از مجموع دو دسته عوامل کمیت‌پذیر اقتصادی و عوامل پیچیده محیط کلان اقتصادی که فضای فعالیت فعالان اقتصادی در سرزمین را می‌سازد، تشکیل شده است. بنابراین، مفهوم ریاضی معادل روابط شکل شماره ۲ را می‌توان به صورت زیر بیان کرد:

$$ECOSEC = \alpha(ECOINDEX) + \beta(ECOINVINDEX)$$

به طوری که ECOSEC شاخص نماینده امنیت اقتصادی و ECOINDEX و ECOINVINDEX بترتیب نشان‌دهنده عوامل محیط اقتصادی در سرزمین می‌باشند. ضرایب α و β نیز بترتیب نشان‌دهنده وزن و اهمیت هر یک از این عوامل در شاخص امنیت اقتصادی است.

روش آماری برای تخمین این ضرایب، «روش مؤلفه‌های جزئی» نام دارد. در این روش،

1- Anthony McGrew. The Transformation of Democracy; Globalization and Territorial Democracy Cambridge, Polity Press.

ضرایب مؤلفه‌های اصلی شاخص امنیت اقتصادی برحسب رفتار مشاهدات آماری محاسبه و به‌دست می‌آید. اما نکته اصلی این است که این ضرایب از نظرتئوریهای اقتصادی نیز باید از منطق و سازگاری لازم برخوردار باشند. هر چند که استفاده از این روش با توجه به وجود نرم‌افزارهای پیشرفته آماری به نظر بسیار ساده‌تر است، اما غالباً نتایج از منطق اقتصادی برخوردار نیستند. به هر حال برای محاسبه وزن و اهمیت ضرایب مؤلفه‌های مذکور دو روش آماری و روش قضاوت اختیاری^۱ ملاک عمل قرار گرفت. با توجه به اولویت روش آماری، ابتدا با استفاده از بانک اطلاعاتی مقاله، ضرایب شاخصهای عوامل محیطی و عوامل اقتصادی به تفکیک عوامل تشکیل‌دهنده آنها در قالب شاخص امنیت اقتصادی و با استفاده از روش مؤلفه‌های جزئی در نرم‌افزار E Views (ویرایش پنجم)، برآورد شد. نتایج این برآورد اگرچه بعضاً از نظر آماری توجیه‌پذیر بودند، اما به لحاظ سازگاری با نظریه‌های اقتصادی از هیچ منطقی برخوردار نبودند. بنابراین ملاک محاسبه شاخص امنیت اقتصادی روش قضاوتی، مبتنی بر منطق ارائه شده برای انتخاب وزن و اهمیت مؤلفه‌های تشکیل‌دهنده این شاخص می‌باشد.

محاسبه شاخصهای عوامل اقتصادی و عوامل محیطی سرزمین مؤثر بر امنیت اقتصادی مطابق روابط ۱ و ۲ با استفاده از روش شاخص موریس و بی‌وزن کردن فازی صورت گرفت و نتایج آن در دو گزینه شاخص امنیت اقتصادی به صورت روابط زیر، جدول‌بندی شد:

$$Y = 50\%Z_1 + 50\%Z_2 \quad (1) \text{ گزینه اول}$$

$$Y = 75\%Z_1 + 25\%Z_2 \quad (2) \text{ گزینه دوم}$$

در گزینه اول نقش هر دو عامل اصلی در تعیین شاخص امنیت اقتصادی، یکسان فرض شده است. به عبارت دیگر در گزینه اول با توجه به تأکید بر بعد اقتصادی جهانی شدن بیشترین وزنی که محقق برای عوامل محیط اقتصادی در سرزمین می‌توانست قائل شود، در نظر گرفتن وزنی برابر با مؤلفه‌های اقتصادی بود؛ یعنی در گزینه اول ضرایب α و β هر دو برابر با ۵۰٪ در نظر گرفته شدند.

در گزینه دوم، با توجه به تأکید بر اصلی بودن نقش عوامل کمی اقتصادی در تبیین شاخص امنیت اقتصادی در فرایند جهانی شدن، میانگین بیشترین وزنی که مجموعه این عوامل،

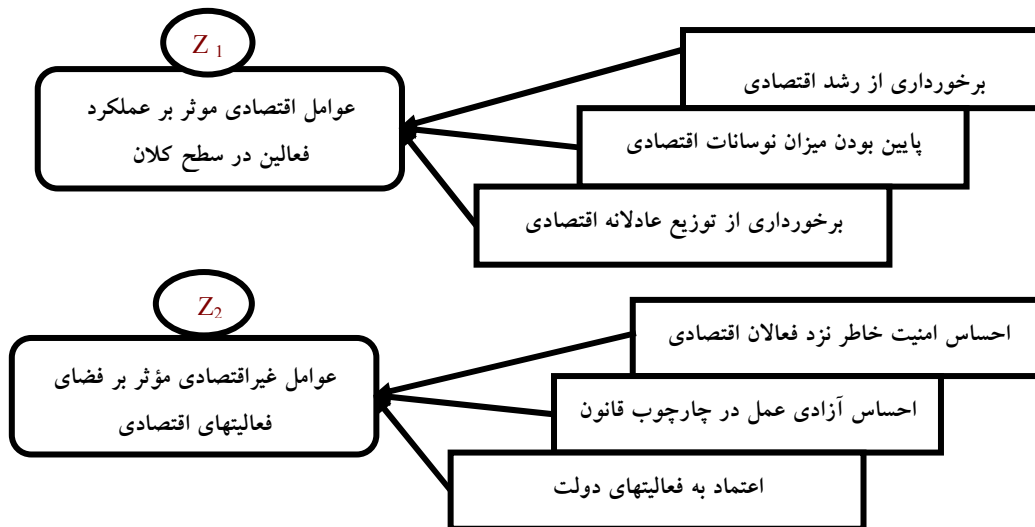
1 - Arbitrary Method

در فاصله حداقل وزن (یعنی ۰/۵۰) تا بیشترین وزن ممکن (یعنی ۱/۰۰)، می تواند اختیار کند، برای ضریب در نظر گرفته شده است. به عبارت روشنتر در این گزینه ضریب α برابر با ۰/۷۵ و ضریب β برابر با ۰/۲۵، در تابع تعریفی امنیت اقتصادی وارد شده‌اند. در نهایت، با توجه بر تاکید بر عوامل اقتصادی کمیت‌پذیر بیش از عوامل قضاوتی در تهیه شاخص امنیت اقتصادی، گزینه دوم به عنوان گزینه منتخب در تعریف شاخص امنیت اقتصادی انتخاب شد.^۱ مفهوم ریاضی هر یک از دو مجموعه عوامل Z_1 و Z_2 را می‌توان به صورت توابع تعریفی زیر تبیین کرد:

$$Z_1 = f(e_1, e_2, e_3) \quad (۳) \text{ شاخص عوامل اقتصادی}$$

که در آن هر یک از متغیرهای e_1 و e_2 و e_3 می‌توانند شاخص نماینده رشد اقتصادی، شاخص ثبات یا بی‌ثباتی و شاخص توزیع عادلانه اقتصادی باشند.

(۴) شاخص عوامل محیط اقتصادی در سرزمین



شکل شماره ۳: ارتباط هر یک از عوامل اقتصادی و عوامل محیط اقتصادی با عوامل زیر مجموعه خود شاخص عوامل محیط اقتصادی در سرزمین نیز مشتمل بر متغیرهای ee_1 و ee_2 و ee_3 ^۲

۱- توضیح مفصل این انتخاب در رساله دکتری آقای مسعود هاشمیان اصفهانی آمده است.

می‌باشد که بترتیب معرف شاخصهای کمی احساس امنیت خاطر، احساس آزادی عمل و اعتماد فعالان اقتصادی به فعالیتهای دولت در سرزمین بوده و به‌وسیله مقادیر کمی مناسب خود، تبیین می‌شوند. برای دو شاخص احساس امنیت خاطر و احساس آزادی عمل فعالان اقتصادی، بترتیب از شاخصهای رعایت حقوق شهروندی و آزادیهای سیاسی که هر سال توسط «خانه آزادی» محاسبه و منتشر می‌شوند، استفاده شده است. برای نشان‌دادن اعتبار دولتها نزد فعالان اقتصادی، از شاخص کمی و مقبول بین‌المللی که به شاخص راهنمای بین‌المللی ریسک کشوری (ICRG) نیز مشهور می‌باشد، استفاده شده است. دلیل انتخاب این شاخص به عنوان شاخص نماینده اعتماد به فعالیتهای دولت آن بود که وقتی دولتی از نظر فعالان اقتصادی خارجی مورد وثوق باشد، به احتمال بسیار زیاد از نظر فعالان داخلی نیز مورد اعتماد است. اکنون با جایگذاری روابط ۳ و ۴ در رابطه ۲، شاخص متغیر تابع امنیت اقتصادی درگزینه منتخب، به شکل زیر قابل برآورد می‌باشد:

$$Y = 75\%f(e_1, e_2, e_3) + 25\%f(ee_1, ee_2, ee_3) \quad \text{رابطه (۵)}$$

در آخرین مرحله برای محاسبه شاخص امنیت اقتصادی که اکنون به عنوان یک متغیر ترکیبی از متغیرهایی با جنسیت مختلف، مطابق رابطه ۵ تعریف شده است، استفاده از تکنیکهای آماری بی‌مقیاس، ضروری است. به این منظور از روش بی‌مقیاس کردن فازی استفاده شده است که در مطالعات تجربی مختلف بین‌المللی، به عنوان «روش موریس» یا «شاخص موریس» شهرت یافته است. در روش موریس برای بی‌مقیاس کردن فازی شاخصهای مختلف تشکیل‌دهنده شاخص امنیت اقتصادی در رابطه ۵، از تبدیلات غیرخطی آماری استفاده می‌شود. مزیت استفاده از روش موریس نسبت به سایر روشها، این است که اولاً تبدیلات آماری آن، غیرخطی است و ثانیاً در این روش می‌توان با از بین بردن ارتباط خطی متغیرها با همدیگر، ترکیبهای مختلفی از شاخصها را با جنسیتهای مختلف به کار گرفت.

جامعه آماری مرتبط با موضوع این مقاله، در برگزیده ۲۰۸ کشور و مجمع الجزایر مستقل جهان^۱ بر مبنای اطلاعات منتشر شده توسط بانک جهانی در سال ۲۰۰۵ میلادی می‌باشد که

1 - These tables classify all World Bank member countries (184), and all other economies with populations of more than 30,000 (208 total).

اطلاعات اقتصادی برای بیشتر کشورها تا سال ۲۰۰۳ در آن گزارش آمده است. این بانک اطلاعاتی که هر ساله توسط بانک جهانی تحت عنوان شاخصهای توسعه جهان^۱ منتشر می‌شود، در برگیرنده ۵۷۷ شاخص مختلف اقتصادی-اجتماعی برای کشورهای جهان است. علت انتخاب این بانک اطلاعاتی، ضرورت همگنی و یکنواخت بودن داده‌های آماری برای کشورهای مطالعه شده، در فرایند تحقیق علمی می‌باشد. در این بانک اطلاعاتی دو گونه دسته‌بندی برای کشورها وجود دارد.

بانک جهانی در یک دسته‌بندی، کشورها را برحسب گروه‌های درآمدی تقسیم‌بندی کرده است. در این دسته‌بندی کشورها برحسب میزان درآمد سرانه به کشورهای کم‌درآمد، با درآمد کمتر از متوسط، با درآمد بیشتر از متوسط و کشورهای پر درآمد تفکیک شده‌اند. در دسته‌بندی دیگر کشورها برحسب منطقه جغرافیایی که در آن قرار گرفته‌اند، طبقه‌بندی شده‌اند.

اما این جامعه آماری در طی چند مرحله به ناگزیر سرنده شده و در نهایت به نمونه‌ای قابل قبول، برای یک بررسی جامع و مانع اقتصادی، جهت پاسخ‌گویی به سؤالات اساسی تحقیق محدود خواهد شد. دلایل و مراحل این سرنده به شرح زیر می‌باشد:

۱- در مرحله اول آنچه که باعث محدود شدن جامعه آماری می‌شود، محدود بودن دوره زمانی برای بعضی از شاخصهای کلیدی در محاسبات بود. همین محدودیت باعث شد که دوره زمانی بین سالهای ۱۹۸۰ - ۲۰۰۲ انتخاب شود. با توجه به آنکه برای سال ۲۰۰۳ اغلب کشورها شاخصهای خود را به طور کامل به بانک جهانی گزارش نکرده بودند.

۲- با توجه به اینکه عدم امکان محاسبه بعضی از شاخصهای کلیدی برای بعضی از کشورها در مدل اصلی، باعث حذف آن کشورها از نمونه مورد مطالعه می‌شد، نمونه آماری در محاسبه شاخص امنیت اقتصادی به ۱۱۷ کشور که هم از نظر جغرافیایی و هم از نظر گروه درآمدی متفاوت بوده‌اند، محدود شد.

دوره زمانی بررسی شده، ۲۳ سال و چنان که گفته شد از سال ۱۹۸۰ - ۲۰۰۲ را در بر می‌گیرد.

1 - World Development Indicators, WDI2005.

۴- یافته‌های تحقیق

شاخص امنیت اقتصادی برای ایران و ۱۱۷ کشور دیگر جهان و برای هریک از سالهای ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۲ محاسبه شده است که این امر حداقل در ایران کاملاً بدیع بوده است. جداول شماره ۱ و ۲ بترتیب نمونه‌ای از نتایج محاسبه شاخص امنیت اقتصادی در گزینه منتخب را برای کشورهای مختلف جهان و ایران براساس بانک اطلاعاتی طبقه‌بندی شده بانک جهانی، به صورت مقایسه‌ای در دو سال ۱۹۸۰ و ۲۰۰۲ نشان می‌دهند. دامنه کلی این شاخص بین ۰-۱۰۰ درصد می‌باشد. به طوری که صفر بیانگر عدم وجود امنیت اقتصادی و ۱۰۰ نشان‌دهنده وجود امنیت اقتصادی کامل است.

چنانچه مشاهده می‌شود در سال ۲۰۰۲ ده کشور برتر در فهرست رتبه‌بندی شده شاخص امنیت اقتصادی، کشورهای آرام اروپایی هستند که پس از حمله آمریکا به افغانستان و عراق محل بیشترین استقرار سرمایه‌ها و منابع مالی قرار گرفتند. در این میان کشور نفت‌خیز نروژ به بیشترین حد ارتقا نائل شده و از رتبه دوازدهم در سال ۱۹۸۰ به رتبه دوم در سال ۲۰۰۲ ارتقا پیدا کرده است.

این در حالی است که سوئیس همیشه امن و بیطرف در مناقشات بین‌المللی و خزانه‌دار منابع مالی جهان با پنج پله ارتقا به کسب جایگاه اول در سال ۲۰۰۲ موفق شده است. به جرأت می‌توان گفت که وجود منابع انرژی در نروژ به‌عنوان مهمترین عامل در این ارتقای ده پله‌ای، نقش داشته است. از بین هفت کشور صنعتی جهان، کشورهای درگیر جنگ، مانند انگلستان، آمریکا، ژاپن و کانادا در این فاصله بیشترین تنزل جایگاه را از نظر شاخص امنیت اقتصادی داشته‌اند و کشورهایمانند ایتالیا و فرانسه به ارتقای مقام خود در این فهرست موفق شده‌اند. در این میان کشور آلمان که در دوران جنگ سرد محل اصلی بیشترین چالش‌های ژئوپلیتیکی در اروپا بود، از رتبه هفتاد و سوم در سال ۱۹۸۰ به رتبه بیست و چهارم از نظر شاخص امنیت اقتصادی صعود کرد که این موضوع به‌رغم ادغام دو آلمان و مسائل و مشکلات ناشی از ظهور آلمان جدید بوده است.

جدول شماره ۱: وضعیت شاخص امنیت اقتصادی در سال ۲۰۰۲ در مقایسه با سال ۱۹۸۰ در بین

۲۰ جهان کشور

2002			1980		
رتبه	شاخص امنیت اقتصادی	نام کشور	رتبه	شاخص امنیت اقتصادی	نام کشور
1	0.87898	سوئیس	1	0.868143	لوگزامبورگ
2	0.874618	نروژ	2	0.866628	انگلیس
3	0.872298	لوگزامبورگ	3	0.865777	دانمارک
4	0.870727	دانمارک	4	0.8627	آمریکا
5	0.868281	اتریش	5	0.861971	هلند
6	0.86747	فنلاند	6	0.858901	سوئیس
7	0.866595	بلژیک	7	0.858357	ژاپن
8	0.866458	هلند	8	0.858118	اتریش
9	0.862199	سوئد	9	0.857772	سوئد
10	0.86093	ایسلند	10	0.856282	نیوزلند
11	0.860395	فرانسه	11	0.855875	کانادا
12	0.860081	انگلیس	12	0.852801	نروژ
13	0.859483	ایتالیا	13	0.851421	ایرلند
14	0.858749	کانادا	14	0.849582	استرالیا
15	0.858112	پرتغال	15	0.846256	بلژیک
16	0.857525	استرالیا	16	0.839262	ایسلند
17	0.857241	ژاپن	17	0.83912	فرانسه
18	0.857087	اسپانیا	18	0.831165	ایتالیا
19	0.854984	ایرلند	19	0.824226	یونان
20	0.851454	آمریکا	20	0.820754	فنلاند

مأخذ: محاسبات محققان بر مبنای بانک اطلاعات مقاله

۵- تجزیه و تحلیل یافته‌ها

نتایج محاسبه شاخص امنیت اقتصادی در جدول شماره ۲، بیشتر به منظور نشان دادن جایگاه ایران در مقایسه با سایر کشورهای جهان در سالهای ۱۹۸۰ و ۲۰۰۲ می‌باشد. چنان که از نتایج خلاصه شده در این جدول قابل مشاهده است، بروز جنگ تحمیلی در ایران باعث شده که شاخص امنیت اقتصادی آن به سطح بسیار پایینی در سال ۱۹۸۰ تنزل پیدا کند. در آن سال رتبه ایران از نظر شاخص امنیت اقتصادی در بین ۱۱۷ کشور بررسی شده، صد و هفتم بوده است، اما با عبور از بحران جنگ و بازسازی اقتصاد ایران، به‌رغم تهدیدات ناشی از تحریم اقتصادی و فشار قیمتهای

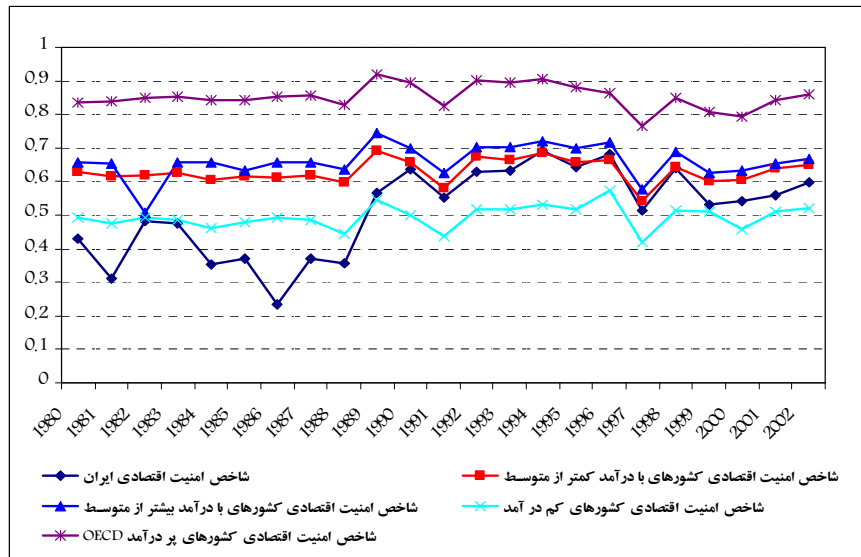
پایین نفت تا سال ۲۰۰۲ میلادی، کشور ایران موفق به ارتقای ۳۶ پله‌ای شاخص امنیت اقتصادی خود شده و در این سال به رتبه هفتادویکم دست پیدا کرد.

جدول شماره ۲: تغییر جایگاه شاخص امنیت اقتصادی ایران در سال ۲۰۰۲ در مقایسه با

سال ۱۹۸۰

1980			2002		
نام کشور	شاخص امنیت اقتصادی	رتبه	نام کشور	شاخص امنیت اقتصادی	رتبه
گامبیا	0.606873	71	ایران	0.598392	71
لبنان	0.600431	72	عربستان سعودی	0.595994	72
آلمان	0.595337	73	انگولا	0.591796	73
رومانی	0.588852	74	فدراسیون روسیه	0.59014	74
جزایر گینه	0.588567	75	غنا	0.586278	75
بلغارستان	0.586094	76	مالی	0.584688	76
بولیوی	0.581152	77	قزاقستان	0.584183	77
عراق	0.581063	78	گینه نو پاپوئا	0.577316	78
آلبانی	0.580821	79	عراق	0.576217	79
اندونزی	0.577314	80	مالزی	0.575323	80
هند	0.576399	81	هایتی	0.574682	81
نیجریه	0.572614	82	مغولستان	0.57096	82
سری لانکا	0.563001	83	هند	0.569386	83
چین	0.557388	84	سنگال	0.566962	84
غنا	0.553865	85	چین	0.566463	85
فیلیپین	0.551161	86	کوبا	0.562615	86
آفریقای جنوبی	0.544463	87	آرژانتین	0.561001	87
سورینام	0.542559	88	سیرالئون	0.548425	88
توگو	0.539717	89	بورکینافاسو	0.543084	89
السالوادور	0.536676	90	لبنان	0.540026	90
کنیا	0.53447	91	سریلانکا	0.535955	91
نامیبیا	0.529387	92	نیجر	0.529102	92
بنگلادش	0.495606	93	بنگلادش	0.522932	93
پاکستان	0.494417	94	نامیبیا	0.519865	94
سیرالئون	0.493446	95	زامبیا	0.517611	95
سنگال	0.488884	96	بلاروس	0.514432	96
اوگاندا	0.479913	97	موزامبیک	0.512393	97
گابن	0.478969	98	مالاوی	0.511505	98
زامبیا	0.478086	99	کنیا	0.511363	99
بورکینافاسو	0.472734	100	آذربایجان	0.507536	100
مغولستان	0.472372	101	گابن	0.501425	101
سودان	0.462504	102	یمن	0.499928	102
ماداگاسکار	0.444909	103	توگو	0.499855	103
مالاوی	0.43959	104	تاتاریا	0.494701	104
کامرون	0.438136	105	نیجریه	0.491543	105
ویتنام	0.433498	106	اوگاندا	0.488931	106
ایران	0.429165	107	گامبیا	0.487411	107

مأخذ: محاسبات محققان بر مبنای بانک اطلاعات مقاله



نمودار شماره ۳: وضعیت شاخص امنیت اقتصادی ایران در مقایسه با سایر کشورهای جهان در طبقه‌بندی بانک جهانی از نظر گروه‌های درآمدی

نمودار شماره ۳ نشان‌دهنده وضعیت شاخص امنیت اقتصادی ایران در مقایسه با کشورهای جهان در طبقه‌بندی بانک جهانی از نظر گروه‌های درآمدی می‌باشد. برای ترسیم این نمودار شاخص امنیت اقتصادی در گزینه منتخب برای تمام کشورهای جهان محاسبه شد و سپس با طبقه‌بندی کشورها در گروه‌های درآمدی بانک جهانی، میانگین شاخص امنیت اقتصادی برای هر گروه محاسبه و در این مقایسه تطبیقی مشارکت داده شد.

مقایسه تطبیقی شاخص امنیت اقتصادی ایران با همان شاخص برای گروه‌های درآمدی مختلف جهان دارای نتایج زیر است:

- در طول سالهای جنگ شاخص امنیت اقتصادی ایران از شاخص مشابه برای تمام کشورهای جهان حتی کشورهای کم درآمد نیز کمتر بوده است؛

- شاخص امنیت اقتصادی کشورهای جهان با درآمد بالای OECD همواره از دیگر گروه‌های درآمدی جهان بالاتر می‌باشد. پس از آن کشورهای با درآمد بیشتر از متوسط، کشورهای با درآمد کمتر از متوسط و کشورهای کم درآمد قرار داشته‌اند. این مسأله خود

می‌تواند توجیه منطقی از واقعی بودن شاخص محاسبه شده و تطبیق آن با وقایع ملموس در دنیای خارج از آن باشد.

- روند شاخص امنیت اقتصادی از کشورهای جهان، دو نقطه مشترک حاکی از تنزل این شاخص دارد. یکی از این نقاط در زمان جنگ اول خلیج فارس و فروپاشی شوروی سابق اتفاق افتاده که به نظر می‌آید امنیت جهانی در این مقطع دچار بحران شده است. دیگری در سال ۱۹۹۷ که به نظر می‌آید بحران اقتصادی جنوب شرق آسیا و خسارات ناشی از آن، امنیت اقتصادی جهان را تحت تأثیر قرار داده است.

- به طور کلی با نگاهی به نمودار شماره ۳ می‌توان نتیجه گرفت که میزان شاخص امنیت اقتصادی با سطح توسعه‌یافتگی کشورها دارای ارتباطی منطقی است. هرچه کشورها به سمت توسعه‌یافتگی نیل پیدا کنند، شاخص امنیت اقتصادی آنها بهبود خواهد یافت.

۶- نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی

شاخص امنیت اقتصادی ایران در سال ۱۹۸۹ از شاخص امنیت اقتصادی گروه کشورهای کم درآمد سبقت گرفته و طی دوران بازسازی پس از جنگ کاملاً در سطح میانگین شاخص امنیت اقتصادی گروه کشورهای با درآمد متوسط (که خود جزء آن می‌باشد)، می‌رساند. هر چند که این شاخص طی سالهای ۱۹۹۸-۲۰۰۲ از میانگین شاخص امنیت اقتصادی این گروه کشور فاصله گرفته و تا حد زیادی تنزل می‌یابد، اما به نظر می‌رسد که شاخص امنیت اقتصادی تا حدود زیادی از رفتار کلی گروه کشورهای با درآمد کمتر از متوسط تبعیت می‌کند.

حدود تفاوت شاخص امنیت اقتصادی ایران از میانگین این شاخص برای گروه کشورهای با درآمد بیشتر از متوسط در ابتدای دوره (۱۹۸۰) حدود ۲۰ درصد می‌باشد که در انتهای دوره بررسی (۲۰۰۲) به حدود کمتر از ۵ درصد می‌رسد. اگرچه، این امر ممکن است یک بهبود به نظر آید، اما برای کشوری که تلاش دارد قدرت اول منطقه‌ای در اقتصاد و فناوری باشد، معیار ارزیابی تطبیقی^۱ باید گروه کشورهای پر درآمد OECD باشد.

اگرچه الگوی امنیت اقتصادی کشورهای پر درآمد نیز دارای نوساناتی است، اما مقدار مطلق آن در تمامی سطوح بالاتر از سایر گروههای درآمدی می‌باشد. این امر مؤید توان بالای

1 - Bench Marking

اقتصاد ملی این دسته کشورها برای مقابله با بحرانها و عوامل خارجی ناشی اقتصاد جهانی است که اقتصاد ملی این دسته از کشورها را تهدید می‌کند. بنابراین تلاش برای دستیابی به حد بالای امنیت اقتصادی می‌تواند یکی از اهداف استراتژیک مدیران کلان اقتصاد ملی در شرایط ورود به عرصه جهانی شدن اقتصاد باشد.

نکته آخر آنکه در اقتصاد رو به جهانی شدن، حتی برای توسعه یافته‌ترین کشورها امنیت کامل اقتصادی وجود ندارد. اگر چه ممکن است این از نتایج وابستگی متقابل و پیچیده‌تر شدن مسائل اقتصاد جهانی باشد، اما به نظر می‌آید که تمامی کشورها همواره در تلاش برای ارتقای شاخص امنیت اقتصادی خود می‌باشند. با این وجود آنچه که به عنوان تفاوت یکسان در بین تمامی گروههای درآمدی به چشم می‌خورد، تفاوت در درجه توسعه‌یافتگی است، که به طور موازی موجب حفظ سطح تمایز بین شاخص امنیت اقتصادی در بین گروه کشورها، در طبقه‌بندی درآمدی مختلف، شده است.

با توجه به جمع‌بندی نتایج این تحقیق و با توجه به اولویت رویکرد فضای جهانی شدن که رویکردی اقتصادی، سیاسی و نظامی می‌باشد، ارتقای شاخص امنیت اقتصادی کشورها در شرایط ورود اقتصاد ملی به عرصه اقتصاد جهانی، بیش از پیش اهمیت و اولویت پیدا می‌کند. در این ارتباط برای ارتقای بیشتر شاخص امنیت اقتصادی کشور و به منظور بهره‌برداری از تمامی فرصتهای ژئواکونومیکی کشور موارد زیر مورد توصیه است:

۱- اصلاح ساختار فضای فعالیت اقتصادی از طریق انجام اصلاحات نهادی برای بهبود کیفی در عوامل محیطی و نظارت بر تحقق کامل آنها باید با جدیت تمام و از طریق یک نهاد معتبر و پر قدرت دنبال شود. تنها در چنین فضایی است که به‌رغم تهدیدات موجود اقتصادی می‌توان اهداف چشم انداز ملی را محقق ساخت؛

۲- عدم تعادل در فضای فعالیتهای اقتصادی، وجود تبعیض در برخورداری از حقوق شهروندی، کاهش اعتبار دولت نزد فعالان اقتصادی و به تبع آن کاهش اعتبار بین‌المللی دولت از جمله دیگر عوامل محیطی هستند که در فرایند جهانی شدن اقتصاد ملی ممکن است، امنیت اقتصادی را در بعد ملی و حتی در بعد بین‌المللی با تهدیدات جدی مواجه سازند. بنابراین ایجاد تعادل در این محیط و حفظ انسجام داخلی از اهم اولویتهای سیاستگذاران خواهد بود؛

۳- نهاد قانونگذاری در کشور نیز باید آگاه باشد که پی‌ریزی نهادهای جدید در بازارهای در حال‌گذار، فرایندی تصادفی نیست. عوامل مؤثر در نهادهای جدید عبارتند از: تغییرات ساختاری، تغییر در مقررات، افزایش فشارهای رقابتی و پیشرفتهای فناوری که همگی بر اثر ورود اقتصاد به عرصه جهانی شدن شکل گرفته‌اند.

۴- شرایط و وضعیت بخش واقعی اقتصاد نیز در این نهادهای تأثیر تعیین‌کننده دارد. در این میان، افزایش پس‌انداز کل یا تغییر در ترکیب مخارج خصوصی، با توجه به ایجاد فرصتهای بیشتر برای جلب و تخصیص پس‌اندازها، منجر به شکل‌گیری نهادهای جدید مالی شده است که استفاده از آنها به عنوان منابع تأمین مالی در فرایند الحاق می‌تواند مفید و موثر باشد. بنابراین تلاش برای تحقق این امر می‌تواند از برنامه‌های مهم سیاستگذاران مالی و پولی کشور باشد.

منابع و مأخذ

۱. اصغرپور، محمد جواد (۱۳۸۱)، تصمیم‌گیریهای چند معیاره، چاپ دوم، انتشارات دانشگاه تهران.
۲. پورسید، بهزاد (۱۳۸۲)، امنیت اقتصادی در بعد سرمایه‌گذاری خارجی، مجموعه مقالات همایش راهکارهای توسعه امنیت اقتصادی، تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
۳. شولت یان آرت (۱۳۸۲)، جهانی‌شدن و امنیت (نامنی)، ترجمه خلیل‌الله سردارآبادی، مطالعات راهبردی ۲۹ اسفند.
۴. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی (۱۳۸۲)، گزارش نظارت بر عملکرد سه ساله برنامه سوم توسعه، تهران، مهر ماه.
۵. گزارش working paper شماره wp/98/4 تحت عنوان امنیت اقتصادی، سرمایه‌گذاری خصوصی و رشد اقتصادی در کشورهای در حال توسعه؛ نوشته هلن پویر سون و دیوید تی. کو (۱۹۹۸) صندوق بین‌المللی پول.
۶. فریدمن، میلتون (۱۳۸۰)، سرمایه‌داری و آزادی، ترجمه غلامرضا رشیدی، تهران: نشر نی.
۷. فون هایک، فردریش (۱۳۸۲)، در سنگر آزادی، ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: انتشارات لوح فکر.
۸. فون هایک، فردریش (۱۳۸۰)، قانون، قانونگذاری و آزادی، ترجمه مهشید معیری و موسی غنی‌نژاد، چاپ اول، تهران: انتشارات طرح نو.
۹. ویکتور، آرچی (۱۳۸۱)، اقتصاد کلان بین‌الملل، ترجمه آزاد ارمکی، صادقی یارندی، هاشمیان اصفهانی، تهران: شرکت چاپ و نشر بازرگانی.
۱۰. ماندل، رابرت (۱۳۷۷)، چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۱۱. محبی، منیژه (۱۳۷۴)، ارزیابی اثرات عضویت در سازمان تجارت جهانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی.
۱۲. هاشمیان اصفهانی، مسعود (۱۳۸۵)، مطالعه تأثیر الحاق به سازمان تجارت جهانی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر مولفه اقتصادی و تجربه کشورهای منتخب) رساله دکتری دانشگاه عالی دفاع ملی.
13. Craance, Rosç (1992), "Trade and Power," in Betts, Conflict After the cold war.
14. Easterly, W. R. King. R. Levine and S. Rebelo., How Do National Policies Affect Long – run Growth? A Research Agenda. World Bank Discussion Paper
15. Gilipin Robert (1993), The political economy of international relations (New York: Concil on foreign relation perss.
16. Knorr Klaus (1995), Economic interdependence and national security," in Knorr and Treger ,Economic issues and national security.
17. Levine, R. and S. Zervos (1993), Looking at Facts: What We know about Policy and Growth From Cross – Country Analysis. World Bank Policy Research Papers, WPS 1115.
18. Michael ,fabriciuse (1998), "The Impact Of Economic Security On Bank Deposits and Investment "IMF working paper.

19. Moran Theodore H(1987), American economic policy and national relations Princeton, NJ: Princeton university perss.
20. Murdock Clark A(1977), "Economic factors as objects of security: Economics, Security, and Vulnerability," in Klaus Knorr & Frank N. Trager, eds. Economics issues and National Security. Lawrence: Regents press of dansas.
21. Oshikoya T.W(2001) Macroeconomic Determinants of Private Investment in Africa : An Empirical Analysis.
22. World Development Indicators, WDI 2005-6
23. Zhang Bill(2004), Trade Justice Issues in China after WTO accession, December 09, 2004. No. 164.